

**Original Paper** **A comparative study of the allegory effects in the poems of Akhavan sales and Shafii Kadkani based on the intellectual principles of minimalism**




Seydeh zahra Rouhani<sup>1\*</sup>, Shahin Ojagh Alizadeh<sup>2</sup>

**Abstract**

Allegory is one of the most widespread ways of storytelling that inspires moral, didactic, social and political thoughts and messages to the reader. It is one of the methods of indirect expression of the poet's thoughts. An allegory is a narrative that can be read in disguise; so that it takes on other meanings that makes his speech more effective. Minimalism, as one of the main structural relationships of speech in social themes, is of significant importance. In this regard, minimalist short stories provide a suitable platform for analyzing the structural principles of speech based on the principle of allegory, due to the use of the basic narrative and allegorical structure as well as sociological relationships. This research has explained the allegorical effects of the poems of Shafii Kodkani and Akhwansals a descriptive-analytical way. In the thought of each of these two speakers. The main problem of this research is to search for the arrangements that Shafii Kodkani and Akhwansals used to express their inner intentions based on the prevailing concerns in the mind. The results of this research show that; The poems of Akhwan and Shafii Kodkani, with their solid structure, based on a unique form and structure, reflect the allegorical foundations of the word well in their poems.

**Key words:** Allegory, Akhavan Sales, Shafii Kadkani, Minimalism, Societies

1. Department of Persian Language and Literature, Roudhan Branch, Islamic Azad University, Roudhan, Iran. zrouhani25000@gmail.com
2. Assistant Professor Persian Language and Literature, Roodeen Branch, Islamic Azad University, Roodeen, Iran. alizade@riau.ac.ir

<b>Please cite this article as (APA):</b> Rouhani, Seydeh Zahra, Ojagh Alizadeh, Shahin. (2023). A comparative study of the allegory effects in the poems of Akhavan sales and Shafii Kadkani based on the intellectual principles of minimalism. <i>Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature</i> , 15(57), 33-56.	
 Creative Commons: CC BY-SA 4.0	 
<b>Publisher:</b> Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 57/ Autumn 2023	
<b>Receive Date:</b> 04-06-2023	<b>Accept Date:</b> 27-08-2023
<b>First Publish Date:</b> 30-10-2023	



## مقاله پژوهشی بررسی تطبیقی جلوه‌های تمثیل در اشعار اخوان ثالث و

### شفیعی کدکنی بر مبنای اصول فکری مکتب مینی مالیسم

سیده زهرا روحانی<sup>۱</sup>، شهین اوجاق علیزاده<sup>۲</sup>

چکیده

مینی مالیسم، به عنوان یک از اصلی‌ترین مناسبات ساختاری کلام در مضامین اجتماعی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در این خصوص داستان‌های کوتاه مینی مالیستی به دلیل بهره‌گیری از ساختار بنیادین داستانی و تمثیلی و همچنین مناسبات جامعه‌شناسی، بستر مناسبی را جهت نقد و تحلیل اصول ساختاری کلام بر مبنای اصل تمثیل فراهم می‌آورد. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و به روش کتاب‌خانه‌ای (مطالعات کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها) به تبیین جلوه‌های تمثیلی اشعار شفیعی کدکنی و اخوان ثالث پرداخته است. هدف پژوهش حاضر، انعکاس مبنای جامعه‌ی یک دوران و شناخت ارزش‌های متعدد آن در افکار، اندیشه‌ها و فرهنگ مردم یک دوره در اندیشه‌ی هر یک از این دو سخنور است. ضرورت پرداختن به چنین پژوهش‌هایی، بهره‌وری از شیوه‌های بیانی تمثیلی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مباحث انتقال سازوکارهای اجتماعی و مبنای فرهنگی است. مساله‌ی اصلی این پژوهش جستجوی تمهیداتی است که شفعی کدکنی و اخوان ثالث جهت بیان مقاصد درونی خویش بر اساس دغدغه‌های حاکم در ذهن، از آن بهره برده‌اند. تاکنون پژوهش‌های متعددی پیرامون آثار این دو شاعر صورت پذیرفته، ولی تحقیق مستقلی در خصوص تبیین روابط و مناسبات داستانی آن‌ها بر اساس مبنای مینی مالیستی و ساختار تمثیل، صورت پذیرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اشعار اخوان و شفعی کدکنی، با ساختار استوار خود، بر مبنای فرم و ساختاری منحصر به فرد، مبنای تمثیلی کلام را به خوبی در خود منعکس نموده.

**کلیدواژه‌ها:** تمثیل، اخوان ثالث، شفعی کدکنی، مینی‌مالیسم، اجتماعات، زیبایی‌شناسی

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، رودهن. zrouhani25000@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. alizade@riau.ac.ir

لطفاً به این مقاله استناد کنید:

روحانی، سیده زهرا، اوجاق علیزاده، شهین. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی جلوه‌های تمثیل در اشعار اخوان ثالث و شفعی کدکنی بر مبنای اصول فکری مکتب مینی مالیسم. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. (۵۷)، ۳۳-۵۶.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و هفتم / پاییز ۱۴۰۲ / از صفحه ۳۳-۵۶.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

### مقدمه

بررسی و تبیین روابط و مناسبات مکتب ادبی مینی مالیسم، به عنوان یکی از مهمترین سازوکارهای ساختاری کلام، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در این میان توجه به پیشینه‌ی آثار شکل گرفته در هر دوره و اسلوب به کار رفته در آن، می‌تواند بیانگر مناسبات گوناگون اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و... باشد. در این میان شفیع کدکنی و اخوان ثالث. با ارائه‌ی سازوکارهای ساختاری کلام به زبان تمثیل، به تبیین نقش کنش‌هایی می‌پردازند که با تحلیل آثار هر یک بر مبنای اصول فکری ناقدان، دریافته‌یم که زبان آن‌ها، دارای مناسباتی است که عناصر ساختاری تمثیل در نقد و تبیین مبانی ادبیات داستانی و اجتماعیات و همچنین بیان مبانی مینی مالیستی، بسیار سودمند واقع می‌گردد.

### بیان مساله

شعر معاصر، دارای روابط و مناسباتی است که در طی زمانهای مختلف با به تصویر کشیدن آداب و رسوم، سنت‌ها، موازین اخلاقی، اجتماعی، تعلیمی و... توانسته است نقش عمده‌ای را در انتقال دغدغه‌های رایج در یک جامعه را ایفا کند. با بررسی و تبیین آثار شاعران و نویسندگان دوره‌ی معاصر، صنعت ادبی تمثیل به جهت برخورداری از مشخصه‌های دو صنعت ادبی استعاره و تشبیه، توانسته است در انعکاس رویکردهای جامعه شناسانه سودمند واقع گردد، مساله‌ی اصلی در طرح مبانی این پژوهش، کشف روابط و مناسبات تمثیل‌های مورد استفاده‌ی شفیع کدکنی و اخوان ثالث در آثار خویش است. مساله اصلی این پژوهش آن است که دریابیم این دو شاعر در ایجاد فضای مناسب تمثیلی برای بیان افکار و عقاید خویش از چه تمهیداتی بهره جسته‌اند و کلام آن‌ها تا چه حد در تبیین روابط و مناسبات متعدد جامعه با تکیه بر اصول فکری مکتب مینی مالیسم، قابلیت نقد و تحلیل می‌یابد.

### پرسش‌های تحقیق

- ۱- کدامیک از مضامین اشعار مینی مالیستی شفیع کدکنی و اخوان دارای روابط و مناسبات تمثیلی است؟
- ۲- چگونه مبانی مکتب مینی مالیسم اشعار شفیع کدکنی و مهدی اخوان ثالث را به سمت ایجاد گونگی کلام هدایت کرده است؟
- ۳- روابط و مناسبات مینی مالیستی با برگزیدن مبانی متعدد کلامی تا چه حد در تبیین مضامین تمثیلی اخوان و شفیع کدکنی مؤثر بوده است؟

### پیشینه‌ی تحقیق

در خصوص اشعار تمثیلی اخوان ثالث و شفیعی کدکنی تابحال پژوهش‌های گوناگونی به رشته‌ی تحریر در آمده، اما در خصوص تبیین مبانی مینی‌مالیستی بر مبنای اصل تمثیل، در آثار آن‌ها تاکنون تحقیق مستقلی صورت پذیرفته است.

در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون این اثر، می‌پردازیم: در خصوص آثار اخوان و شفیعی کدکنی، تا به حال پژوهش‌های متعددی به رشته‌ی تحریر در آمده است؛ اما در خصوص تبیین مبانی تطبیقی مینی‌مالیسم در شعر آن دو، تاکنون تحقیق مستقلی صورت پذیرفته است.

در ادامه، به ذکر نمونه‌هایی از پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون این دو شاعر، می‌پردازیم:

۱- ندا فخریان (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی تلمیحات در اشعار مهدی اخوان ثالث و محمد رضا شفیعی کدکنی. این پژوهش، به بررسی و مقایسه‌ی صنعت تلمیح در اشعار مهدی اخوان ثالث و محمدرضا شفیعی کدکنی می‌پردازد و عناصر متعددی که در معنای ثانویه‌ی کلام پیرامون صنعت تلمیح در سخن آن دو، قابل رؤیت است.

۲- مسعود دلاویز (۱۳۹۰)، تأثیر ذهن و زبان اخوان ثالث بر شعر شفیعی کدکنی در دفتر شبخوانی. در این مقاله، به تأثیرپذیری شفیعی کدکنی از افکار و اندیشه‌های اخوان ثالث پرداخته شده است و مصادیقی که در حکم عناصر شباهت و تفاوت آنها بوده، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۳- مسعود روحانی و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی آرکائیسیم در شعر معاصر با محوریت سه شاعر (اخوان ثالث، شاملو، شفیعی کدکنی)، پیکره‌ی اصلی این مقاله، بر مبانی و کشف قوانین و باستان‌گرایی در شعر این سه شاعر و توجه آنها به مضامین و عناصر کهن شکل گرفته است.

### شیوه‌ی تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، اشعار تمثیلی اخوان و شفیعی را با توجه به مؤلفه‌های مکتب مینی‌مالیسم و شاخصه‌های تمثیل، مورد نقد و بررسی قرار داده است. در وهله‌ی نخست به تبیین روابط و مناسبات این مکتب ادبی بر مبنای تمثیل پرداخته و سپس به تبیین مراتب داستانی شعر هر یک از شاعران نامبرده پرداخته‌ایم. پژوهش حاضر به روش مطالعات کتابخانه‌ای، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها، صورت پذیرفته است.

### ضرورت تحقیق

ضرورت پرداختن به چنین مباحثی در نقد و تحلیل متون گوناگون در ساختارهای مختلف اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، فلسفی و... آن می‌باشد، که جهت دریافت معانی پنهان ذهن گوینده و یا نویسنده، در فضای تمثیل و روابط و مناسبات آن بسیار حائز اهمیت است.

### اهداف پژوهش

ضرورت پرداختن به چنین پژوهش‌هایی، نقد و تحلیل عناصر ساختاری متن بر اساس اصول فکری مکاتبی است که ما را در جهت کشف قوانین درونی متن بر مبنای روابط و مناسبات کلامی و اهداف متعالی تمثیل به سوی یک اثر داستانی رهنمون می‌سازند. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که دریابیم اخوان ثالث و شفیعی کدکنی در ترسیم فضای داستانی اثر خویش در ساختار تمثیل از چه اقداماتی بهره جسته‌اند و کلام تمثیلی آن‌ها تا چه حد توانسته در نقد و تحلیل جلوه‌های مینیمالیستی آثار بر اساس عقاید و اصول فکری ناقدان شعر توفیق یابد.

### ابعاد اجتماعی مکتب مینی‌مالیسم

انواع گوناگون ادبی با رویکردهای متعدد در حوزه‌های گوناگون، بیانگر مناسباتی است که ریشه در تاریخ و فرهنگ یک سرزمین دارد. اصول فکری جامعه‌شناسان و همچنین مفسران تاریخ در زمان‌های گذشته، گویای مفاهیمی است که انسان را به تحقیق و تفحص در پیشینه‌ی خود فرا می‌خواند. در این میان، تاریخ ادبیات هر کشور، با ساختارهای بنیادین و منحصر به فرد، نمای گسترده‌ای از پیشینه‌ی یک سرزمین را به تصویر می‌کشد. از این رو، آداب و رسوم و اعتقادات انسان‌ها در هر دوره و نقش آفرینی آنها در عرصه‌های گوناگون، بستر اولیه مقاصد شاعران و نویسندگان از بیان درونیات خویش است. در این میان، سبک‌های ادبی، با برخورداری از قوانین و سبک‌های سخنوری، بازتاب گسترده‌ای از بایدها و نبایدهای تعریف‌شده‌ی یک سرزمین را بیان می‌کنند. این امر، در آثار شاعران و نویسندگان هر دوره، امری کاملاً مبرهن است. در این میان اخوان ثالث و شفیعی کدکنی، به دلیل توجه به مقاصد اجتماعی در افکار و اندیشه‌های خود، حوادث اجتماعی و سیاسی بسیاری را در ساختار کلام مینی‌مالیستی ارائه داده‌اند. از این رو، می‌توان ادبیات به‌کار رفته در آثار آنان را ادبیات اجتماعی نامید؛ زیرا تلفیق اجتماع و ادبیات در آثار هر یک، رویداد کاملاً واضحی است که خواننده با توجه به آنها، روایت‌های متعددی را از دوران‌های گذشته درمی‌یابد. امروزه، به دلیل تحولاتی که در روزگار و جامعه عصر حاضر به وجود

آمده و تغییر شرایط زندگی آدمی، بر هنر و ادبیات تأثیر مستقیمی گذاشته است. پیشرفت جامعه جهانی در زمینه‌های علمی، بروز جنگ‌های جهانی، شتاب و سرعت در زندگی مردم عصر حاضر، ورود رسانه‌ها در زندگی‌های مردم، بر هنر و ادبیات در قرن بیستم، تأثیر بسیار زیادی گذاشته است. این عوامل، باعث ظهور و پیدایش سبک جدیدی در ادبیات و هنر یک کشور شده است. سبک هنری مینی‌مالیسم، بر اثر همین تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی به وجود آمده است و نظریه‌های فرمالیست‌های روسی، بر سرعت ظهور این سبک، تأثیر بسزایی داشته است.

این تغییر و تحولات، علاوه بر اینکه در مکتب‌های هنری تأثیر داشته است، بر ادبیات و داستان کوتاه نیز تأثیرات شگرفی گذاشته است. بر اساس تأثیر سبک هنری مینی‌مالیسم، داستان‌های کوتاه فشرده‌تر شده و به داستان کوتاه تبدیل شده است.

داستان‌های مینی‌مال، مانند دیگر انواع ادبی، دارای ویژگی‌ها و خصوصیات بارزی است که آن را از سایر انواع ادبیات داستانی متمایز می‌کند. از جمله شاخص‌ترین این ویژگی‌های کوتاهی و ایجاز و فشرده‌گی بیش از حد این داستان‌ها است که نویسنده با کمترین واژگان و حجم فشرده، مفهوم و مقصود را از نوشته‌ی خود ارائه می‌دهد و به‌طور ناگهانی و در حین ایجاز، بیشترین تأثیر را بر خواننده می‌گذارد.

از نظر ساختاری، داستان‌های مینی‌مال دارای سبک و طرحی ساده و به دور از آرایش‌های ادبی و پیچیدگی‌های هنری هستند که محدودیت در زمان و مکان، محدودیت در به‌کاربردن شخصیت، شروع داستان از میانه بدون شرح و توصیف‌های غیر ضروری و دارای پایان‌بندی‌ای ناتمام و غیرمنتظره از خصوصیات بارز این سبک ادبی است.

در داستان‌های مینی‌مال، تغییر زمان و مکان و شخصیت‌ها به‌ندرت اتفاق می‌افتد و بیشترین توجه نویسنده در این نوع داستان‌ها، به دنبال شکار لحظه‌های کوتاه و ناب از زندگی شخصیت‌هاست.

از آشکارترین ویژگی‌های زبانی داستان‌های مینی‌مال، می‌توان به استفاده از حداقل واژگان و به‌کار بردن ایجاز هنری، نبودن آرایش‌ها و آراستگی‌های ادبی و هنری، استفاده از کلمات بدون پسوند و پیشوند و به‌صورت ساده و در عین حال، دارای بار معنایی زیاد، اشاره کرد.

علاوه بر ویژگی‌های زبانی بر شمرده شده برای داستان‌های مینی‌مال، می‌توان به عواملی از جمله: دوری از کلمات ثقیل و پرطمطراق ادبی، کاربرد زبان ساده و محاوره، کاربرد واژگان غیراخلاقی و کوچه‌بازاری و دوری از هرگونه حشو و زوائد، عدم وجود آرایه‌ها و صنایع ادبی، خودداری از به‌کاربردن قیده‌ها و صفت‌ها و ... اشاره کرد.

از لحاظ مضمون و محتوا، این داستان‌ها به جنبه‌های اجتماعی و انسانی توجه دارند و به مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی در این داستان‌ها کمتر توجه می‌شود. شخصیت‌هایی که در این نوع داستان‌ها مورد گزینش نویسندگان قرار می‌گیرند، اغلب از بین مردم عادی، فقیر و مأیوس و بدبخت جامعه هست. طرح داستان‌های مینی‌مال، از حداقل عناصر داستانی تشکیل شده است؛ به طوری که این داستان، گاه از لحاظ فشردگی، با طرح، نظم و لطیفه اشتباه گرفته می‌شود.

### تمثیل

تمثیل در لغت به معنای «تشبیه کردن» و «مَثَل آوردن»، و نیز به معنای «نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی» است و در اصطلاح آن است که شاعر یا نویسنده به تناسب سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را ذکر می‌کند تا از این طریق، مفاهیم و نظریات خود را به خواننده یا شنونده منتقل نماید و آنچه در این میان مهم است نتیجه‌ی تمثیل می‌باشد که می‌تواند سرمشقی برای موارد متفاوت باشد. به تعبیری دیگر هرگاه برای تأکید یا روشن شدن مطلبی (معمولاً پیچیده) تشبیه کنیم یا برای اثبات موضوعی نمونه‌ای بیاوریم، آرایه‌ی تمثیل را به کار گرفته ایمحوزه معنایی تمثیل، در ادبیات گسترده است از آن با اصطلاحات تشبیه مرکب، استعاره مرکب، استدلال، ضرب‌المثل، اسلوب معادله، حکایات اخلاقی، قصه‌های حیوانات، قصه‌های رمزی و روایت داستانی یا الیگوری یاد کرده‌اند؛ در المعجم آمده است: لفظی دیگر که بر معنی‌ای دیگر دلالت کند. (قیس رازی، ۱۳۵۱: ۱۹۷). تمثیل به طور معمول قصه‌ای است به شعر یا نثر که منظور و مقصود اصلی آن از طریق تعویض شخصیت اشخاص و حوادث، به غیر از آنچه در ظاهر دارند، به دست می‌آید. به این معنی که وقتی نویسنده یا شاعر، می‌خواهد مطلبی را به خواننده انتقال دهد، قهرمان‌ها و حوادث و صحنه داستان را با منظور و مقصود خود هماهنگ انتخاب می‌کند. خواننده می‌تواند با دقت در شکل ظاهری تمثیل و داستان به هدف و منظور اصلی گوینده یا نویسنده دست یابد. در ادبیات غرب پنج مبحث و مقوله متشابه وجود دارد که تفاوت‌هایی نیز با هم دارند و هر یک از آنها ویژگی‌های خاص خود را دارد. اما همه آنها در زبان و ادبیات فارسی به عنوان تمثیل شناخته می‌شوند: مثل، حکمت، حکایت، افسانه، قصه رمزی. مَثَل: پورنامداریان در کتاب رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی در تعریف مثل آورده است: «قولی کوتاه و مشهور است که حالتی یا کاری را بدان تشبیه کنند و غالباً شکل نصیحت‌آمیزی از ادبیات عامیانه است که محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است این شکل را ضرب‌المثل نیز گویند که غالباً صورت فشرده یک داستان است» (پورنامداریان، ۱۳۷۹: ۱۱۴).

«عبد القاهر جرجانی و خواجه نصیر طوسی و شبلی نعمانی، تا به آن حد بر خاصیت استدلال گری و اقناع‌کنندگی تمثیل معتقد بوده که نام این صنعت را استدلال گذاشته‌اند؛ چرا که در آن، از حال یک شبیه بر حال دیگر شبیه، دلیل می‌سازند.» (شیری، ۱۳۷۹: ۸۴) استعاره و تشبیه جز ارکان اصلی ساختار تمثیل است بطوریکه با ایضاح و ابهام یا روشن‌گری و کتمان‌گری، معانی پنهان و پیام‌های اصلی یک اثر را بیان می‌کنند. «تمثیل ارائه‌ی شخصیت، اندیشه با واقعه است به طریقه‌ای که هم خود را نشان دهد و هم مباحث را، به عبارت دیگر تمثیل یک معنای آشکار دارد و یک یا چند معنای پنهان و نوعی تصویرانگاری است که در آن مفاهیم و مقاصد اخلاقی از پیش شناخته شده‌ای از روی قصد به اشخاص، اشیاء و حوادث منتقل می‌شود.» (میر صادقی، ۱۳۷۹: ۱۰۵ - ۱۰۴) تمثیل یک روایت است که پوشیده خوانده شود؛ به طوری که معنا (ها)ی دیگری را هم به خود بگیرد. تمثیل، توصیف یک چیز است، زیر پوشش چیزی دیگر. تمثیل برای رسیدن به اهداف نهایی خود از نمادهای گوناگون سود می‌جوید. این نوع ادبی پیشینه‌ی تاریخی بسیار درازی دارد، به طوری که شکل روایی بسیاری از اسطوره‌ها، تمثیلی است. ابن رشیق قیروانی در کتاب العمده، تمثیل را از شاخه‌های استعاره می‌داند و می‌گوید «تمثیل در نظر بعضی، از مماثله است و آن است که چیزی را به چیزی تمثیل و همانند کنی که در آن اشارتی باشد.

### اخوان ثالث و اندیشه‌های اجتماعی او

در میان شاعران دوره‌ی معاصر، اخوان ثالث به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین شاعران دوره معاصر دارای افکار و اندیشه‌هایی است که شعر وی را در میان شاعران هم‌دوره‌ی او، متمایز ساخته است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های کلام وی، توجه به جلوه‌های هنری با بهره‌گیری از روابط و مناسبات تمثیلی داستانی است و این امر، حاکی از آن است که اخوان در سرایش کلام خود، به روابط و مناسبات صور خیال و سازکارهای داستانی با تکیه بر عناصر زیبایی‌شناختی توفیق یافته است. از این رو، شعر وی، زمینه‌ی مساعدی را جهت نقد و تحلیل جلوه‌های مینی‌مالیستی در خود فراهم می‌آورد. اخوان از شاعران منفرد تاریخ شعر ماست؛ با فردیتی نومیدوار... شاعری با عمری به درازای تاریخ... با نیم‌رخ از خیام و حافظ... یاس و حسرت فلسفی - تاریخی - اجتماعی، از برجسته‌ترین صور عاطفی و اندیشه‌گی شعر اخوان به شمار می‌آیند. (روزبه، ۱۳۸۹: ۱۸)

اخوان، ابتدا شعرهایی در قالب‌های سنتی مانند قصیده، رباعی و... سرود و از نظر زبانی، احیاگر سبک خراسانی بود؛ اما در اثر آشنایی با نیما، به سرودن شعر نو روی آورد. در آثار اخوان، غلبه روح روایی،



صلابت سبک خراسانی و بیان آرکائیک و حماسی، هم پیوند با شیوهٔ نیما در حوزهٔ شکل و موسیقی، ابعاد سبک نوع قدمایی او را پدیدار می‌سازند.

### شفیعی کدکنی و اندیشه‌های اجتماعی او

محمدرضا شفیعی کدکنی، با تخلص سرشک، از جمله شاعرانی است که راه اخوان را در یکی از مجموعه‌های شعر آغازین خود به‌کار گرفت. شفیعی کدکنی که با مجموعه‌ی زمزمه‌ها به شیوه کلاسیک و به زبان تمثیل، پا به عرصه شاعری گذاشته بود. در مسیر شعر نو، از مجموعه‌ی شبخوانی تا مجموعه‌ی بوی جوی مولیان، خط سیر و روند تکاملی مشخصی را پشت سر گذاشته است. او با سرودن مجموعه شعر شبخوانی، به آزمودن ذوق و قریحه‌ی شاعری خویش در سمت شاعری اجتماعی و رمزگرا با بینشی کن‌گرایانه است. در واقع، بعد از این دوره‌ی گذار است که شفیعی می‌تواند چهره و طرز تفکر حقیقی خویش را نشان دهد و به آن من‌سازگار با جهان‌بینی‌اش دست یابد (دل‌اوز، ۱۳۹۰: ۲۹).

### مکتب ادبی مینی‌مالیسم

هر یک از مکاتب، با درخشش خود در حوزه‌های گوناگون، حکایت از اصول و ساختار منحصر به فردی دارند که در افکار، اندیشه‌ها و آثار شخصیت‌های علمی و ادبی، نمود و بروز می‌یابد. مکتب مینی‌مالیسم، از دهه ۱۹۶۰، به‌عنوان یک سبک در هنرهای مختلف، به‌خصوص نقاشی، موسیقی و ادبیات، مورد استفاده قرار گرفت. در این سبک هنری، مفاد و اولویت‌های سازنده اثر، تا حد ممکن به سمت اولویت‌های پایه‌ای تنزل پیدا می‌کنند. هنر مینی‌مال، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حرکت‌های هنری پس از جنگ جهانی دوم به‌شمار می‌آید که در آمریکا شکل گرفته است (پویانیا، ۱۳۹۱: ۱). مینی‌مالیسم، یک مکتب هنری است که اساس کار خود را بر پایهٔ سادگی بیان و روش‌های ساده و خالی از پیچیدگی معمول فلسفی یا شبه فلسفی بنیان گذاشته است. مینی‌مال یا خرده‌گرایی (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۸۹) یا کمینه‌گرایی (سلیمانی‌خواه، ۱۳۷۷: ۸۸)، صفتی است به معنای کمترین حد، اندک و ناچیز و «هنر مینی‌مال بر حداقل‌ها و کمترین‌ها استوار است» (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۳۹) ایجاز و تلخیص و پیراستن شعر و نثر از حواشی و زوائد، توجه به رئال و واقع‌گرایی، استفاده از تلمیح، بیان روایی و... از ویژگی‌های مکتب مینی‌مالیسم ادبی است. مینی‌مال، به معنی کمینه و حداقل و مینی‌مالیسم به معنای حداقل‌گرایی، جنبشی است که حدود نیم قرن از شکل‌گیری آن می‌گذرد. مینی‌مال، تحت تأثیر شرایط و

عواملی ظهور کرده است که جنبش مکتب فرمالیسم، یکی از شرایط شکل‌گیری و ظهور مکتب و هنر مینی‌مالیسم می‌باشد. فرمالیست‌ها که در ۱۹۲۰ میلادی، جنبش و مکتبشان در روسیه پایه‌گذاری شد، در صدد بودند تا موازینی ایجاد کنند که بتوانند با تکیه بر آنها، آثار ادبی را مستقل از آفریننده و محیط آفرینش و با روشی علمی بررسی کنند و در حقیقت، فرمالیست‌ها، به معماری و ساخت اثر توجه داشتند (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۲۱۱-۲۱۲) در ابتدای دهه‌ی شصت میلادی، دنیای مدرن در زمینه‌ی ادبیات به مرحله‌ی سکون رسید. هنر و دیگر پدیده‌های اجتماعی، به دنیای جدیدی پای گذاشتند که امروزه با واژه‌ی پسامدرن شناخته می‌شوند. در همان دهه بود که هنر داستان کوتاه مینی‌مال، در ادامه‌ی داستان کوتاهی که بیش از یکصد سال از ظهور آن می‌گذشت، جای خود را باز کرد. در «فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد» زیر عنوان «تقلیل‌گرایی»، کمینه‌باوری و مینی‌مالیسم این گونه آمده است: «سبک یا اصل ادبی یا دراماتیک، مبنی بر کاهش دادن مفرط محتوای اثر، به حداقل عناصر ضروری، معمولاً در قالبی کوتاه، مانند قصه‌ی کوتاه نمایشی یا تک‌گویی، شعر هایکو و کلام قصار است» (کادُن، ۲۴۳: ۱۳۸۰). مینی‌مالیسم، بیشتر به‌عنوان سبکی در ادبیات داستانی و گونه‌ای از انواع داستان‌های کوتاه شناخته شده که بر پایه‌ی ایجاز و فشردگی بیش از حد محتوای آثار بنا شده است؛ به صورتی که از یک داستان، فقط جنبه‌های مهم و عناصر ضروری آن باقی می‌ماند و از همان آغاز شکل‌گیری، در بیشتر زمینه‌های هنری و حتی غیرهنری به‌کار گرفته شده است. هنر مینی‌مالیسم، تلاش و ادعایی برای ارتقای ادبیات داستانی نیست؛ بلکه این هنر سعی دارد که بین انسان ماشینی با شرایط و الزامات زندگی امروز، ارتباط و پیوند برقرار کند (خلخالی استاد، ۱۳۸۵: ۶۱)

کوتاهی و خلاصه بودن و ایجاز و فشردگی مفرط، از مشخصات بارز داستان‌های مینی‌مال محسوب می‌شود. بنابراین، داستان‌های مینی‌مال، از نظر حجم و اندازه، بسیار کوتاه است؛ به‌طوری که به داستان‌های مینی‌مال، داستان‌های خیلی خیلی کوتاه می‌گویند که در نوشته به پایان نمی‌رسد و ذهن خواننده را به چالش می‌کشد. داستان‌های مینی‌مالیستی کوتاه‌تر از بلندی یک تار مو است که به آن نوشتاری کوتوله گفته‌اند. این داستان‌ها، از نظر حجم و کمیت، بین دو تا سه صفحه تعیین شده است (جزینی، ۱۳۸۹: ۱۸) در کتاب ادبیات داستانی بیان شده است که: «داستانک (مینی‌مال) یا داستان کوتاه کوتاه، داستان‌هایی منشور است که باید از داستان کوتاه جمع‌وجورتر و کوتاه‌تر باشد و از ۵۰۰ کلمه کمتر و از ۱۵۰۰ کلمه بیشتر نباشد. در داستان‌های مینی‌مال، عناصر کشمکش، شخصیت‌پردازی و صحنه، ماهرانه و هنرمندانه به‌کار رفته است. در واقع، این نوع داستان‌ها، عناصر داستان کوتاه را با ایجاز و اختصار به همراه دارند (میرصادقی، ۱۳۹۰: ۲۷۴)

در ادبیات غرب، کمینه‌گرایی یا همان هنر مینی‌مالیسم، به‌عنوان یک سبک به شمار می‌رود و کاربرد دارد؛ در حالی که در میان ملت‌هایی که پیشینه‌ی ادبی دیرینه‌ای دارند، گونه‌های ادبی‌ای وجود داشته‌اند که اساس و مبنای آنها بر کمینه‌گرایی بوده است. اگر ایجاز و فشردگی متون را جزء مهم‌ترین ویژگی‌های مینی‌مالیسم به شمار آوریم، در آثار ادب فارسی، با انواع و نمونه‌های متنوع و فراوانی از کمینه‌گرایی مانند: قالب‌های رباعی و دوبیتی در حوزه‌ی شعر و حکایت‌های منثور و کوتاه در آثار عرفانی و اخلاقی که در دوره‌های مختلف زبان و ادب فارسی وجود داشته‌اند، مواجه می‌شویم که از ابتدای شکل‌گیری زبان فارسی دری، مورد توجه گروهی از شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان بوده است. در ادبیات معاصر فارسی، می‌توان شعر لحظه، کاریکلماتور و داستانک را از گونه‌های کمینه‌گرا به شمار آورد (تاواراتانی، ۱۳۷۹: ۱۵۶-۱۶۱) سبک مینی‌مال، مبتنی بر گرایش به حداقل یا به بیان ادبی، ایجاز است. ایجاز یعنی بیان سخن به گونه‌ی کوتاه و فشرده است؛ ولی در عین حال، دارای معنایی کامل و رسا می‌باشد و گوینده و نویسنده آنچه را که در ضمیر و اندیشه‌اش نهفته است و قصد تفهیم و بیان آن را دارد، در عبارتی کوتاه و با الفاظ اندک و با رعایت فصاحت و بلاغت چنان پیروارند که فهم آن برای همگان راحت باشد؛ بدون آنکه موجب اختلال و تعقید و ابهام در معنی و مراد شده باشد (همایی، ۱۳۸۴: ۴۰۴) در داستان مینی‌مال، نویسنده بیشتر به استفاده از حداقل واژگان مورد نیاز توجه می‌کند و این توجه به حداقل‌ها، باعث می‌شود که کار نویسندگان مینی‌مال، به سمت دشواری برود؛ چون نوشتن چنین داستان‌هایی که بسیار کوتاه و موجز هستند و در آن هیچ‌گونه مجالی برای شرح و توصیف نباشد و در عین حال، قصد داشته باشد پیام یا مفهومی را به‌طور کامل به مخاطب منتقل کند یا احساس و عاطفه‌ای را در او برانگیزاند، از عهده‌ی هر نویسنده‌ای بر نمی‌آید. به همین دلیل، شاید بتوان گفت که نوشتن داستان مینی‌مال، به دلیل محدودیت‌هایی که در این سبک از داستان وجود دارد، دشوارتر از نوشتن رمان و داستان کوتاه است و نویسنده داستان مینی‌مال، نیازمند مهارت، دقت نظر و تجربه‌ی بیشتری در مقایسه با نویسنده‌ی رمان و داستان کوتاه است. این داستان‌ها، معمولاً به طرز شگفت‌آوری پایان می‌یابند که این پایان شگفت‌انگیز و تغییر جهت دادن ناگهانی و غیرمنتظره، عملی است که در پایان داستان‌های مینی‌مال رخ می‌دهد و باعث شگفتی خواننده می‌شود (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۶۱)

در یکی از فرهنگ‌های معتبر جهانی امریکن، در مورد واژه «هنر مینی‌مال»، این گونه آمده است: این هنر، ابتدا در روسیه و اتریش ظهور و گسترش یافته‌است و بر خلاف پیامدهای اروپایی آن، بیشتر در آمریکا در مقیاس‌های گوناگون هنری به‌عنوان یک واقعیت عینی به‌کار گرفته شده است. هنر

مینی‌مالیسم، در واکنش به اکسپرسیونیسم انتزاعی ضد فرمالیسم در سال ۱۹۵۰، سعی دارد که نوشته‌های مشخص را حذف و نابود کند. بنابراین، با ابزارهای غیرمشخص و اغلب منفی سروکار دارد (گوهرین، ۱۳۷۷: ۱۹)

### مشخصه‌های مکتب مینی‌مالیسم

در میان ویژگی‌های گسترده‌ی مکتب مینی‌مالیسم، برخی از آنها، به دلیل کاربرد آن در سازوکارهای علمی و ادبی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. از این رو، جهت تبیین مبانی این مکتب در اشعار اخوان ثالث و شفیع کدکنی، به معرفی هر یک از آنها به تفسیر می‌پردازیم:

کم حجمی، طرح ساده، بی‌پیرایگی زبان، توجه به دغدغه‌های بشری، استفاده از تلمیح و ارجاعات بین متنی، انتخاب موضوع‌های جذاب، تایپوگرافی، شکل، استفاده از علائم سجاوندی (خادمی کولایی، رحیمی، ۱۳۹۳: ۳۴)

### تبیین ابعاد اجتماعی مکتب مینی‌مالیسم در شعر اخوان و شفیع کدکنی

#### ۱- کم حجمی

این ویژگی، در بیان آن است که کمترین کلمه، عمیق‌ترین مفهوم را در عین سادگی انتقال می‌دهد. اولین و مهم‌ترین ویژگی متمایزکننده شعر مینی‌مال، حجم کوتاه آن است. درباره حجم دقیق این گونه اشعار، اتفاق نظر وجود ندارد. شاخص کم حجم بودن، تعداد واژه‌هایی است که در شعر به کار می‌رود.

مردم، ای مردم

من اگر جغدم به ویران بوم

یا اگر بر سر

سایه از فرهما دارم

هرچه هستم از شما هستم

هر چه دارم از شما دارم (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۳۴۳)

وز چکاد آسمان پیوند

البرز مه آلود

بال بگشای از کنام خویش (شفیع کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۱۵)

تطبیق تبیین مبانی مینی مالیزم با شاخصه‌ی کم حجمی در شعر اجتماعی اخوان ثالث و شفیعی کدکنی، به زبان تمثیل و به اشکال گوناگون قابل نقد و بررسی است. در شعر اخوان، تعلق خاطر شاعر با تکیه به واژه‌ی مردم به رشته‌ی بیان در آمده. در واقع، شاعر، تمام مقصود خود را با استفاده از شاخصه‌ی کم حجمی کلام به زبان تمثیل درباره‌ی مردم جامعه بیان نموده و واگویی‌های خود را در قالب نقد اجتماع و حوادث آن، مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهد. در مقابل نیز، شفیعی با بیانی حماسی و تمثیلی، مقصود خود را در قالب جمله‌ی امری، با استفاده از کلام اساطیری کوتاه و مختصر بیان نموده است. نکته‌ی حائز اهمیت در شعر وی، استفاده از واژگان به‌کار رفته در شاهنامه‌ی فردوسی با بیانی استعاری است. شفیعی، با استفاده از بیان کوتاه، سعی در تأثیرگذاری اندیشه‌های درونی خود دارد. اشاره وسیع او پیرامون حادثه‌ی زال و سیمرغ در راستای بهره‌گیری از زبان تمثیل، با استفاده از کلمات کوتاه نظیر: کلام و البرز، به رشته‌ی تحریر درآمده است. آنچه را که در تحلیل عناصر درونی این شعر قابل بررسی است ترسیم فضای تمثیل و بیان مبانی اجتماعی با بیانی نمادین است.

## ۲- ارائه طرح ساده باشد

در این ویژگی، حتی الامکان، به اصل موضوع پرداخته می‌شود و از مقدمات و نتایج پرهیز می‌شود.

خانه‌ام آتش گرفته است

آتشی جان سوز

هر طرف می‌سوزد/ این آتش

پرده‌ها و فرش‌ها را تارشان با پود (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۷۶)

نه خرمی / نه گاوآهنی

نه مزرعه‌ای / نه آشیانه‌ی مرغی

نه گل‌های به چرا

شدست قامت برج بلندقریه نگون (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۱۳۴)

تطبیق: اخوان، با استفاده از طرحی ساده به زبان تمثیل (آتش)، به وقایعی که بر او گذشته است، می‌پردازد. هدف اخوان از این نوع اجمال تفهیم مقاصد درونی خود به خواننده است که با استفاده از صنعت تکرار و تشبیه، آن را در حافظه‌ی تصویری بیننده قرار می‌دهد. به‌کارگیری واژه‌ی خانه، عنوان عامی است که مکان رخداد وقایع با زبانی نمادین است. آن هم مکانی که تمام هستی شاعر است و آن

می‌تواند تمام اندیشه‌ها و افکاری باشد که در طی دوران‌ها برای به ظهور رسیدن آنها تلاش نموده است. در مقابل، شفیع‌ی طرح ساده‌ی اندیشه‌ی خود را با استفاده از نفی ملازمات به خواننده با کلامی استعاری اعلام می‌دارد. طرح ساده‌ی اندیشه‌ی او، بی‌بهرگی از حیات مادی مطلوب است. او این دغدغه‌ی اجتماعی را با استفاده از فضای روستا با زبانی تمثیلی مطرح می‌کند تا این تصویر در ذهن مخاطب او ماندگار گردیده و توجه او را به وقایع جلب نماید. نقطه‌ی تشابه این شعر، از دست رفتن مقاصدی است که جهت روابط و مناسبات آن در دوران‌های گذشته، مشقت‌های بسیاری متقبل شده است و در حال حاضر، ماحصلی ندارد.

### ۳- بی‌پیرایی زبان

مینی‌مالیست‌ها، به سبک زبانی، توجه ویژه‌ای دارند. زبان این گونه آثار، باید از چنان قدرتی برخوردار باشد که بتواند محدودیت‌های ناشی از کمبود زمان، مکان و بیان رخدادها را جبران کند. از این رو، در این اشعار، معمولاً واژه‌ها با دقت انتخاب و بجا به کار برده می‌شوند. به علاوه، زبان در این گونه داستان‌ها، بی‌پیرایه و شفاف است که در آن، کلمه‌ها معنای حقیقی خود را دارند و اگر دارای معنای مجازی باشند، با مراجعه به سبک ادبی شاعر و آگاهی از شیوه‌ی شعرسرایی وی، معانی واژه‌ها و تعبیر قابل فهم باشد.

آموخته جولاهگان پیر

که زند آن شاهد قدسی بسی صلا

که ترسد از نای سروش بسی صفیر

من نتوانم چوشما عنکبوت شد

کولی شوریده سرم من، پرنده‌ام

زین گنه، ای روبه‌کان دغل! مرا

مرگ دهد توبه که گرگ درنده‌ام

باز فتادم به خراسان مرگبار

غمزده، خاموش، فروخته (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۵۶)

همه ایوان و صحن خانه خاموش

همه دیوارها در هم شکسته

به هر طاقش تنیده عنکبوتی

به روی سقف

گرد غم نشسته (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۱۳۴)

تطبیق: معرفی شاعر از خود با عنوان کولی زبانی تمثیلی، خود گواه این مدعاست که او خود را نه تنها فردی عادی می‌داند، بلکه به مراتب دون‌تر از آن، یعنی کولی نیز خطاب می‌نماید. این امر در شعر زمستان وی نیز، با عبارت لولی‌وش مغموم، قابل نقد و بررسی است. او با کلامی بی‌پیرایه، مناسبات اجتماعی جامعه را با لحنی ساده و به دور از تقید بیان می‌کند نکته قابل تأمل پسوند وش می‌باشد که حکایت از زبانی تمثیلی و نمادین جهت درک تصویر ذهنی شاعر است. در مقابل، شفییعی، حوادث روحی و روانی خود را که حاکی از ناامیدی‌های درونی است با زبانی کنایه آمیز و ایجاز گونه مطرح می‌سازد، با کلامی به دور از ساختارها و صنعت‌های کلامی بیان می‌نماید. فضای شعر او، ناامیدی است و این امر، در مقابل عبارت شعری من پرندهام اخوان، امری متضاد جلوه می‌کند. این در عبارت من نتوانم چون شما عنکبوت شد... نیز، امری مبرهن است و این امر در فضای تمثیل رخ داده در واقع فضای تمثیل، فضای پارادوکس گونه ایست که حقیقت اصلی یک امر در ورای آن قرار گرفته است.

#### ۴- توجه به دغدغه‌های بشری

این گونه اشعار، اغلب با هدف اثرگذاری بر عواطف خوانندگان نوشته می‌شود. امروزه، به مینی‌مال به‌عنوان فرمی نگریده می‌شود که می‌تواند دغدغه‌های انسان‌ها را در حوزه‌های مختلفی که بشر امروز با آن سروکار دارد، بازتاب دهد. به همین سبب، در اشعار مینی‌مال دهه‌های اخیر، مضامین و درون‌مایه‌های گوناگون دیده می‌شود.

در این سرما، گرسنه، زخم خورده

دویم آسیمه سر بر برف چون باد

ولیکن عزت آزادگی را

نگهبانیم، آزادیم، آزاد (اخوان ثالث، ۱۳۷۹: ۶۹)

.....  
در آینه دوباره نمایان شد

با ابر گیسوانش در باد

باز آن سرود سرخ انال‌الحق

ورد زبان اوست

تو در نماز عشق چه خواندی؟

که سال‌هاست

بالای دار رفتی و این شحنه‌های پیر

از مردهات هنوز/ پرهیز می‌کنند

نام تو را به رمز (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۷: ۱۹)

تطبیق: بیان دغدغه‌های اجتماعی در کلام اخوان با واژگانی نظیر: آزادی و نگهبان بیان می‌گردد. اخوان با استفاده از مصادیق ایثار، روابط و مناسبات دفاع از سرزمین را در مقابل بیگانگان، با استفاده از مبانی اجتماعی بیان می‌دارد در واقع اخوان با بهره‌گیری از دو لایه‌ی زبانی گوناگون در قالب‌های گوناگون کلامی نظیر: تشبیه و تمثیل به تبیین مناسبت‌های اجتماعی و تحلیل مبانی معنا گرایی در ذات خویش می‌پردازد.. گویی او یک فراخوان عمومی، برای همگان صادر نموده و تمام افراد را به دغدغه‌ای مشترک یعنی دفاع از وطن فراخوانده است. در مقابل، دغدغه‌ی اجتماعی شفییعی، نگرانی از عدم انعکاسی و قیامی است از گذشته‌های دور که می‌توانست در عصر جدید به نبوغ و بالندگی برسد و انسان‌ها را در مسیر معرفت عقلانی، به درستی هدایت کند. شفییعی به سوژه‌ای می‌پردازد که ماحصل نقد و بررسی پیرامون آن، دارای نگاه دوبعدی است ابعاد دیداری شعر او در راستای حقیقت و تمثیل قرار گرفته. از یک سو، نیازمند بودن اجتماع به افکار و وجود اشخاصی چون حلاج و از سوی دیگر، ترس از مواجه شدن با روابط و مناسباتی است که گاه برای انسان‌ها آنقدر مهم و قابل ارزش می‌گردد که هیچ شخصی، حاضر به تبعیت از آن نیست و این امکر همان جلوه‌های پارادوکسی صنعت تمثیل است که در قالب معناگرایی تبیین می‌گردد.

##### ۵- استفاده از تلمیح و ارجاعات بین متنی

یکی از راه‌های صرفه‌جویی در کاربرد واژه، استفاده از کلماتی است که یادآور ماجرای است. بنابراین، شاعر با بهره‌گیری از ارجاع به داستان‌ها و اتفاقات مشهور و شناخته شده، از به‌کاربردن توضیحات غیراضافی پرهیز می‌کند. نیشگونی برای ذهن مخاطب است.

خدایا

زین شگفتی‌ها/ دلم خون شد

دلم خون شد



سیاوشی در آتش

رفت و از آن/ سو

خوک بیرون شد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۹۷)

در مزار آباد شهر بی خروش

وای جغدی هم نمی‌آید به گوش

دردمندان بی خروش و بی فغان

خشمناکان بی فغان و بی خروش (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۱۹)

تطبیق شفیی کدکنی، با اشاره به داستان سیاوش با استفاده از زبان تمثیل، اندوه خود را از حوادث ناگوار با رمز و تلمیح بیان می‌کند. نگاه شاعر به مبانی اساطیری، حاکی از تعمق او در حوادثی است که مظلومیتی را در دوره‌ای دیگر به تصویر بکشد تصویر آفرینی او با استفاده از معانی ساختارهای گسترده‌ی کلمات نمادین بیانگر بیان مؤلفه‌های ذهنی شاعر در بیان مقاصد خویش است. دل خونی شاعر، نگاه مینی‌مالیستی او به وقایعی است که بر خلاف سازوکارهای اجتماعی رخ داده و دنیای ذهنی او را پیرامون عوامل قابل ستایش زایل نموده و به بیراهه هدایت می‌کند. احساس اندوه و ناامیدی و همچنین خاموشی مردم در شعر اخوان، در اسم مکانی به نام مزارآباد خلاصه می‌شود که نماد بارز اصل تمثیل جهت بیان دنیای ذهنی شاعر است که مردمانش همه مرده‌اند. در واقع، مزارآباد تلمیحی است به افراد غافل که در فراز و نشیب روزگار، نه تنها هیچ‌گونه درخششی نداشته‌اند، بلکه سرمنشأ حوادثی گردیده‌اند که ماحصل آن شومی و نکبت است.

## ۶- انتخاب موضوع‌های جذاب

اشعار مینی‌مال، برای آنکه مورد توجه قرار گیرند، نیاز به طرح موضوع‌های پُر جاذبه دارند. از این رو، شاعر مینی‌مال، موفق برای پرداختن به یک موضوع، ابتدا بُرشی از موقعیتی جالب را انتخاب و سپس لحظه‌ای از آن را که جذاب‌تر است، روایت می‌کند.

نداشتن شرح و روایت: شعر مینی‌مال، به داستان یا روایت تکیه ندارد و تا جای ممکن، مختصر و موجز است و معنا و مفهوم را بدون داشتن کلمات یا عبارات غیرضروری، انتقال می‌دهد. در شعر مینی‌مال، صحنه و شخصیت‌پردازی وجود ندارد و هیچ چیزی توصیف نمی‌شود. البته می‌توان شعر مینی‌مال را با

معیارهای داستان مینی‌مال، مورد واکاوی قرار داد. به‌عنوان مثال، در شعر اخوان که مبتنی بر روایت است و عنصر روایت، بسیار پررنگ است می‌توان روایت‌های او را از منظر داستان مینی‌مال بررسی کرد.

ما چون دودریچه، روبه‌روی هم

آگاه زهر بگومگوی هم

هر روز سلام و پرسش و خنده

هر روز قرار روز آینده

عمر آینه‌ی بهشت، اما... آه

بیش از شب و روز تیر و دی کوتاه

اکنون دل من شکسته و خسته ست

زیرا یکی از دریچه‌ها بسته ست

نه مهر فسون، نه ماه جادو کرد

نفرین به سفر که هر چه کرد او کرد (اخوان ثالث، ۱۳۸۵: ۴۸)

.....  
آنجا هزار ققنوس / آتش گرفته است

اما صدای بال زدندان را / در اوج

اوج مردن / اوج دوباره زادن

نشیندم هرگز

وقتی که با شکستن یک شیشه

مردابک صبوری یک شهر را

یکباره می‌توانی بر هم زد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۷: ۲۳)

تطبیق: اخوان با برگزیدن یکی سوژه‌ی اجتماعی، برقراری ارتباط و تعاملات اجتماعی را با رویکردی منحصر به فرد در قالب دو پنجره مطرح می‌کند بهره‌گیری او از ساختار اسم مکان دارای مناسباتی است که ذهن خواننده را به جلوه‌های بصری که اصل مینی‌مالیسم است معطوف می‌سازد. استفاده‌ی او از واژه‌ی سلام، حاکی از برقراری روابط اجتماعی است که منجر به ادامه‌ی گفتگو می‌گردد؛ اما گاه این حال خوش پایدار نبوده و منجر به دگرگونی‌هایی گردیده که معمولاً یک عامل در این میان، نقش تعیین‌کننده دارد که در اینجا رحل اقامت کردن و سفر کردن مصداق است. در مقابل، شفعی کدکنی، با برگزیدن پرندۀ افسانه‌ای ققنوس که زبانی تمثیلی و اساطیری است، دست به انتخاب موضوع جذاب

زده است. تولد ققنوس در ادبیات، حاصل برهم زدن بال و سوختن ققنوسی است که از آن، تخمی حاصل شود و از آن تخم، حیوانی به نام ققنوس متولد می‌شود. تحلیل مبانی ساختاری تشبیه ونماد را در توجه شفیععی به زنده کردن هر آن چیزی است که پس از نیستی، خود عامل زاینده‌ای بر ایجاد عوامل پس از خود است. از این رو، می‌توان استنباط نمود که رخداد حوادث گوناگون در زندگی انسان، بسترساز حوادثی دیگر است.

### ۷- تایپوگرافی

شاعران مینی‌مالیستی، با توجه به فونت، فاصله بین حروف، اندازه آن‌ها و غیره، به اشعار خود تنوع بصری می‌دهند این نوع شعرها، بیشتر از نظر بصری زیبا هستند. یعنی یکی دو کلمه را همین‌طور پشت سر هم بنویسیم که اصلاً جذابیتی ندارد. شکل و قرار دادن کلمات در صفحه می‌تواند تأثیر قابل توجهی داشته باشد.

آه/ دیگر ما

گوژپشت و پیر ماییم

به کشتی‌های موج بادبان از کف

تیغهامان/ زنگ خورده و

کهنه/ و/ خسته

کوسه‌هامان جاودان خاموش

تیزهامان بال بشکسته (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۸۵)

در کوچه‌ها فریاد زد آن گولی پیر  
پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
آی پونه دارم/ بوی بهاران

قزاقی و بابونه دارم

بوی بهاران (شفیععی کدکنی، ۱۳۷۸: ۱۰۱)

تطبیق: استفاده از فرم و ساختار سخنوری، یکی از ارکان تأثیرگذار کلام است. اخوان با قرار دادن کلمات تأثیرگذار در هر سطر، از توضیحات جانبی پرهیز نموده و به دور از هر کلیشه‌ی زبانی، به بیان حادثه‌ی رخ داده شده می‌پردازد. واژه‌ی آه، نقطه‌ی آغاز بیان کیفیت شعری اوست. داستان مینی‌مالیستی او در این قطعه، حاکی از کهولت و فرسودگی ایده تازه و ناب است که در پیکره‌ی بندی کلام کمال

طلبی ذهن شاعر را از انتخاب دیدگاهها و مفاهیم معناگرایی بیان می‌دارد. شاعر، خود را فردی می‌داند که افکار و اندیشه‌های او، دیگر هیچ‌گونه خلاقیتی نداشته و تماماً پوسیده گشته‌اند. از این رو، آن‌ها را به شکلی تأثیرگذار و خطی در سطور قرار می‌دهد. در شعر شفيعی، بارقه‌های امید و نشاط در واژه‌های پونه و بهار و بابونه، مصداق می‌یابد و این غالباً با بیانی تمثیلی قابل بیان است. در واقع، شاعر با گزینش مصادیق تأثیرگذار از یک فصل خاص در طول سال به نام بهار که خود آغاز رونق زندگی مجدد است، شادی خود را به گوش تمام آدمیان می‌رساند و کولی را در این میان، تنها شخصی می‌داند که می‌تواند به دلیل نشاط درونی همیشگی‌اش، طراوت بهار را فریاد بزند. برگزیدن واژه‌ی کولی حکایت بهره‌گیری شاعر از زبان تمثیل دارد بطوریکه در تبیین مناسبات کلامی با برگزیدن این واژه ساختارهای وجودی خویش را مورد نقد قرار می‌دهد.

#### ۸- استفاده از علائم سجاوندی

استفاده از علائم سجاوندی، به‌ویژه سه نقطه (...)، برای نشان دادن اینکه بخشی از مفاهیم شعر کوتاه شده است، در اشعار مینی‌مال رواج دارد. در واقع، شاعر قصد دارد تا بدین وسیله، آشکارا یادآوری کند که بخش یا بخش‌هایی از شعر حذف شده است و خوانندگان عادی را به تلاش برای توجه به قسمت‌های محذوف ترغیب کند.

همدرد من! عزیز من! ای مرد بی‌نوا!

آخر تو نیز زنده‌ای این خواب جهل چیست؟

مرد نبرد باش که در این کهن‌سرا

کاری محال در بر مرد نبرد نیست (اخوان ثالث، ۱۳۸۷: ۳۳)

.....  
ای شاخه‌ی شکوفه‌ی بادام! پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خوب آمدی / سلام!

لبخند می‌زنی؟

اما / این باغ بی‌نجابت

با این شب ملول

زنهار از این نسیمک آرام

وین گاه که نوازش ایام (شفيعی کدکنی، ۱۳۶۷: ۱۴۷- ۱۴۸)

تطبیق: استفاده‌ی اخوان ثالث از روابط و مناسبات علائم سجاوندی، حاکی از مناسباتی است که گاه نادیده گرفته می‌شوند. اخوان با خطاب قرار دادن افراد گوناگون در شعرش نظیر: همدرد من عزیز من - ای مرد بی‌نوا .... رویکردهای اجتماعی را مصداق قرار داده او با منادا قرار دادن واژه‌های ذهنی خود به تبیین مراتب نفسانی و عناصر ما بعد الطبیعه می‌پردازد. یکی از مصادیق بارز شعر وی، همیشه جست‌وجوی افرادی است که همراه او گردد. این امر، در داستان زمستان نیز قابل رؤیت است. او اشاره می‌کند ... سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت سرها در گریبان است ... حس تنهایی و عزلت در اشعار اخوان، حاکی از جست‌وجوی او به دنبال یک همراه واقعی است. او جهت تأثیرگذاری کلام، از واژه‌ی عزیز استمداد می‌جوید. شفیعی کدکنی، با خطاب قرار دادن شکوفه‌ی بادام، به بیان فرارسیدن حوادث مطلوب می‌پردازد. به رهگیری او از زبان تمثیل گویای اوج عطوفت و نگاه احساسی شاعر به مباحثی است که با نگاه شاعرانه مطرح گردیده. او فرارسیدن نیکی‌ها را با دمیدن نفس در وجود شکوفه‌ی بادام معنا می‌کند. سلام و لبخند زدن اجتماعی است که شفیعی در این شعر به آن پرداخته و به آن واقف بوده است. تصویر آفرینی از روابط و مناسبات اجتماعی و عدم تعادلی که در مقابل این مناسبات حاکم است، بیانگر آن است که وی نیز چون اخوان، نه تنها از فضای غالب و حاکم لذت برده؛ بلکه احساس نامنی نیز دارد. بطوریکه با ایجاد تناسب معنایی و زبان تمثیل به تحلیل مناسبات اجتماعی پرداخته است.

بررسی تطبیقی جلوه‌های تمثیلی و ابعاد اجتماعی مکتب مینی‌مالیسم در شعر اخوان ثالث و شفیعی کدکنی

کم‌حجمی، طرح ساده، بی‌پیرایگی زبان، توجه به دغدغه‌های بشری، استفاده از تلمیح و ارجاعات بین متنی، انتخاب موضوع‌های جذاب، تایپوگرافی، شکل و استفاده از علائم سجاوندی، موضوعاتی بود که در این پژوهش، به نقد و بررسی آن‌ها در شعر شفیعی و اخوان پرداخته شد. با بررسی‌های انجام یافته در اندیشه‌های مینی‌مالیستی و زبان تمثیلی این دو شاعر، به این امر دست یافتیم که مصادیقی چون کمپنه‌گرایی، سادگی و گریز از تصنع و تکلف و دغدغه‌های انسان معاصر، شاخص‌ترین رهاورد شعرشان است. شخصیت واحد، زمان و مکان محدود، گرایش رئالیستی و بیان دغدغه‌های بشری نیز که از جمله مؤلفه‌های داستان‌های مینی‌مال است، مبنای اولیه تفکرات اجتماعی این دو شاعر را تشکیل می‌دهد که در تحلیل این خصیصه‌های اجتماعی، کاملاً قابل رؤیت بود. همان‌طور که اشاره شد، شعر مینی‌مال در مفهوم امروزی، به شعری گفته می‌شود که با کمترین واژه، دربردارنده مقصود و معنای خود باشد. تفاوت این‌گونه شعر با قالب‌های کوتاه شعر قدیم مثل دوبیتی، رباعی و قطعه، در این است که

شعر کوتاه امروز، گرچه از قواعد شعر نیمایی و یا سپید پیروی می‌کند؛ ولی از کلیشه‌هایی که خود را بر ذهن و زبان شاعر تحمیل می‌کنند، به دور است و این، همان امری است که در شعر این دو شاعر، کاملاً قابل رؤیت است.

### نتیجه‌گیری

آثار شعری اخوان ثالث و شفیعی کدکنی، با توجه به برخورداری از شاخصه مینی‌مالیستی وزبانی تمثیلی، مبانی گسترده‌ای از مناسبات این مکتب هنری را به خود اختصاص می‌دهند. در حوزه شعر، به‌ویژه شعر معاصر، گرایش به سمت کمینه‌گرایی و روابط و مناسبات گسترده‌ی بسیار در ایجاد یک خط داستانی مناسب به مهارت و قدرت کلام و بیان مستحکم گوینده آن بستگی دارد که در این پژوهش، با بررسی و تعمق در رهیافت‌های موضوعی شعر اخوان ثالث و شفیعی کدکنی، دریافتیم که هر یک، با استفاده از اندیشه‌های مینی‌مالیستی، با تکیه بر اصول ساختاری صنعت تمثیل توانسته‌اند در ایجاد یک فضای داستانی مناسب، مبنی بر ساختارهای اجتماعی، فلسفی و همچنین مکتب سورئالیستی، در انتقال وقایع در ذهن خواننده توفیق یابند. از این رو، خواننده با پیگیری قانون‌مند یک خط داستانی، با رهیافت منطقی، به تبیین و استدلال آن موضوع متناسب با شاخصه‌های این مکتب ادبی-هنری می‌پردازد.

### منابع و مأخذ

- ۱- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۰) از این اوستا، تهران: نشر مروارید.
- ۲- .....، ..... (۱۳۸۵) زمستان، تهران: نشر زمان.
- ۳- .....، ..... (۱۳۸۳) آخر شاهنامه، تهران: نشر زمستان.
- ۴- .....، ..... (۱۳۴۸) در حیات کوچک پاییز، تهران: نشر روزن.
- ۵- تاواراتانی، ناهوگو، (۱۳۷۹) داستان‌های مینی مال در ژاپن، ادبیات داستانی دوره ۸، شماره ۵۳
- ۶- پور نامداریان، تقی (۱۳۸۸). در سایه آفتاب، تهران: نشر سخن.
- ۷- جرینی، جواد (۱۳۷۸) ریخت‌شناسی داستان‌های مینی مال، کارنامه، س ۱، ش ۶، صص ۳-۴۱
- ۸- حق شناس، علی محمد؛ انتخابی، نرگس و حسین سامعی (۱۳۸۹) فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی-فارسی، تهران: نشر فرهنگ معاصر.

- ۹- خادمی کولایی، مهدی (۱۳۸۶) نمودهای اساطیری انبیا و آیین‌گذاران در شعر شاملو، پیک نور، سال ۵، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۳۲
- ۱۰- دلاویز، مسعود، (۱۳۹۰)، تأثیر ذهن وزباناخوان بر شعر شفیعی کدکنی در دفتر شبخوانی، فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی زبان‌ادب فارسی، دانشکده‌ی ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، س ۳، ش ۸، صص ۲۸-۵۲
- ۱۱- رحیمی، رحمت (۱۳۹۳) ماهیت شناسی مینی مالیسیم و بررسی داستان‌های مینیمال فارسی از آغاز تا امروز تهران، نشر میترا.
- ۱۲- رضی، احمد و سهیلا روستا (۱۳۸۸) کمینه‌گرایی در داستان نویسی معاصر، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره‌ی جدید، ش ۳، ص ۷۷
- ۱۳- روحانی، مسعود و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی، آرکائیسیم در شعر معاصر با محوریت سه شاعر (اخوان ثالث، شاملو و شفیعی کدکنی)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه مازندران،
- ۱۴- روزهی، محمدرضا (۱۳۸۱) ادبیات معاصر ایران، تهران: نشر روزگار.
- ۱۵- سلیمانی، محسن (۱۳۷۲) واژگان ادبیات داستانی، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.
- ۱۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۷) کوچه باغ‌های نیشابور، تهران: سخن، چ دوم.
- ۱۷- .....، .....، .....، (۱۳۹۸)، مجموعه اشعار، تهران: مروارید، چ دوم.
- ۱۸- شیری، قهرمان، (۱۳۸۷)، مکتب‌های داستان نویسی در ایران، تهران، چشمه.
- ۱۹- صیادی، محمد رضا؛ رحمتی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، مینی مالیسیم ادبی، رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، س ۱، ش ۱، صص ۴۰-۵۳
- ۲۰- فخریان، ندا (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی تلمیحات در اشعار اخوان ثالث و محمد رضا شفیعی کدکنی، پژوهشنامه‌ی اورمزد، دوره ۸، ش ۲۴
- ۲۱- قیس رازی، شمس. (۱۳۳۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به کوشش محمد قزوینی و مدرس رضوی. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۲- مدرسی، فاطمه؛ رضی، مهریه، (۱۳۹۱)، ویژگی مینی مالیستی در برخی داستان بیت‌های دیوان مولانا، فصلنامه‌ی تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی، س ۵، ش ۴، صص ۳۲۷-۳۴۲
- ۲۳- میرصادقی، جمال؛ میمنت میر صادقی (ذوالقدر) (۱۳۸۸) واژه‌نامه هنر داستان نویسی، تهران: مهناز.
- ۲۴- میرصادقی، جمال (۱۳۶۰) قصه، داستان کوتاه، رمان، تهران: نشر آگاه، چ دوم.

- ۲۵- میرصادقی، جمال، (۱۳۶۴)، ادبیات داستانی، تهران: امیرکبیر، چ چهارم.
- ۲۶- کادن، جان آنتونی، (۱۳۸)، فرهنگ ادبیات و نقد، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند، تهران: امیرکبیر،
- ۲۷- کادن، جی، ای (۱۳۸۶)، فرهنگ و ادبیات نقد، تهران: شادگان، چ دوم.
- ۲۸- گوهرین، کاوه (۱۳۷۷)، آینده زمان شتاب زمان، آدینه، شماره ۱۳۳ و ۱۳۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی